

# فرائد غیائی

## وفوائد تاریخی آن

○ دکتر عبدالرسول خیراندیش  
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

الباب الثانی فی رسائل الصواحب و الوزراء  
الباب الثالث فی رسائل السادات و النقباء  
الباب الرابع فی رسائل القضاة و ولاء  
الباب الخامس فی رسائل الموالی العظام و الاھالی  
الکرام  
الباب السادس فی رسائل المشایخ العظام  
الباب السابع فی رسائل المناشیر و الامثال  
الباب الثامن فی رسائل فتح القلاع و البقاع  
الباب التاسع فی رسائل المصائب و الواقعات  
الباب العاشر فی رسائل المتفرقة

مصصح محترم ، کتاب فرائد غیائی را براساس نسخه های خطی طهران (دانشگاه) ، کتابخانه اسعدافندی (۳۳۲۹)، نسخه پاریس (۱۸۲۵)، نسخه برلین (۱۰۶۰)، نسخه ایاصوفیا (۴۱۵۵) و نسخه توبینگن انجام داده و چون خود نیز از خاندان شیخ احمد جام است به تعدادی از این اسناد و مدارک دسترسی داشته و از آنها استفاده کرده است . بنا به ذکر مصصح محترم هر چند یوسف اهل، اساس تالیف خود را تدوین نامه های خاندان جامی قرار داده بود اما «آنچه از نامه های دیگر بزرگان که در قرون پیشتر از وی می زیسته اند به چنگ آورده در کتاب خود گنجینه است. از جمله مثلاً نامه امام محمد غزالی به خواجه ضیاءالملک پسر نظام الملک وزیر مورخ ۵۰۴ هـ . در رد دعوت وی که می خواسته است غزالی به بغداد برگردد و تدریس در مدرسه نظامیه را از سر گیرد. نامه خواجه نصرالدین طوسی از طرف سلطان هلاکو خان پس از فتح بغداد خطاب به سلطان محمود و پاسخی که از مصر بدو نوشته اند . نامه هایی از علاءالدوله سمنانی و سعدالدین تفتازانی و مجدالدین بغدادی و فخرالدین عراقی و ابن یمین فریومدی و عمادالدین و تاج الدین سلمانی و عمادالدین کرمانی و معین الدین یزدی و همام الدین تبریزی و شمس الدین صاحب دیوان و بسیاری دیگر از مشاهیر ادب ، هم چنین مراسلاتی از چند پادشاه و حاکم معروف مانند امیر تیمور گورکان و التجایتو و شاه شیخ ابواسحق و مبارزالدین محمد بن مظفر و شاه شجاع و شاه یحیی و سلطان محمد بن تغلقشاه و ملوک خاندان کرت و غیر هم و حتی فرمانی از هارون الرشید به قلم ابوعبدالله امام محمد بن حسن شیبانی در تفویض منصب قضای شهر قزوین و بسیاری دیگر که در فهرست می توان دید .»

از ۶۵۰ نامه مندرج در فرائد غیائی مصصح محترم ۱۴۴ نامه را که رسائل سلاطین یا ملوک و وزراء بوده

سالهای حدود ۷۹۰-۷۸۵ بوده و کتاب خویش را در سن کمال آغاز به نوشتن کرده است هر چند در مقدمه کتاب به سال ۸۳۴ هـ . اشاره دارد . آن هنگام شاهرخ تیموری در سفری به جام توسط یوسف اهل مدح شده سال ۸۳۷ بوده که شش سال از شروع تالیف آن می گذشته است و یوسف اهل تصمیم داشته اثر خود را به وزیر وی غیاث الدین تقدیم نماید. پس از این زمان می توان براساس تاریخ موجود در بعضی نامه ها ادامه حیات مولف را پی گیری کرد یا براساس اشارات دیگر کتب آن عهد، به مدت عمر وی پی برد. چنانکه در مقدمه جلد دوم دکتر حشمت موید متذکر شده اند که او تا سال ۷۸۴ هـ . زنده بوده است . متأسفانه از زندگی یوسف اهل، اطلاعات کافی در دست نیست و مصصح محترم حداکثر کوشش را در روشن ساختن زندگی وی بکار برده اند که در مقدمه جلد اول انعکاس یافته و خوانندگان عزیز را بدانجا رجوع می دهیم.

علاوه بر فرائد غیائی، یوسف اهل دو کتاب نیز به نام های تحفه الامیر و خمسین عمادی دارد. تحفه الامیر را یوسف اهل به نام ناصرالدین ابراهیم سلطان پسر شاهرخ تیموری نوشته است . خمسین عمادی که کشف نسخه ای از آن به همت شادروان محمدتقی دانش پژوه از کتابخانه لنینگراد صورت گرفت و دکتر حشمت موید آن را در جلد دوم فرائد غیائی آورده اند در اصل و اساس تکرار بعضی از نامه های نقل شده در فرائد غیائی است.

یوسف اهل چنانکه گفته شد از وابستگان به خاندان شیخ احمد جام بوده و بیشتر اسناد و مدارک کتاب او نیز مربوط به همین خاندان است . شیخ احمد جام (متوفی ۵۳۶ هـ .) و نورالدین عبدالرحمن ابن نظام الدین احمد بن محمد جامی (۸۹۷-۸۱۷ هـ .) از بزرگان مشاهیر این خاندان هستند و برای چندین قرن در شرق ایران صاحب نام و نشان و پیروان و مریدان بسیار بوده و با بسیاری از معروفان روزگار خویش معاشرت و مکاتبت داشته اند . لذا در نامه های آنان نکات تاریخی بسیار و نام اشخاص فراوانی درج شده است . بعضی از نکات تاریخی و اسامی اشخاص انعکاس یافته در فرائد غیائی قطعاً و تحقیقاً بی نظیر است و این ارزش تحقیقی بسیار بالای فرائد غیائی را متذکر می گردد.

کتاب فرائد غیائی در ده باب بوسیله یوسف اهل فراهم آمده است به شرح زیر :


الباب الاول فی رسائل السلاطین مع الملوک و الامراء

ازین روایت فارسی  
۵۰۰

## فرائد غیائی

تألیف  
جلال الدین یوسف اهل  
جلد دوم  
فی رسائل السلاطین مع الملوک و الوزراء  
شش بر ۱۳۴ نامه

برکوش  
دکتر حشمت موید  
اسناد و کتابخانه لنینگراد



انستیتوت ملی کتابخانه و اسناد ایران  
۸۲۶۰۰

فرائد غیائی مفصل ترین متنی محسوب می شود که در خصوص منشیات فارسی در دست است . چنانکه مصصح دانشمند کتاب آقای دکتر حشمت موید در مقدمه کتاب آورده اند این اثر مشتمل بر ششصد و پنجاه نامه دیوانی و دوستانه و عارفانه از دانشمندان و فرمانروایان و شاعران از سده دوم تا سده هشتم هجری را دربرمی گیرد.

فرائد غیائی فراهم آمده یکی از منشیان قرن نهم بنام جلال الدین یوسف بن شمس الدین محمد بن شهاب الدین عبدالله جامی مشهور به «یوسف اهل» است این ادیب در خراسان متوطن بوده و به خاندان شیخ احمد جام انتساب داشت . سال تولد و مرگ او مشخص نیست اما بنا بر یکی از نامه های مندرج در فرائد غیائی وی در سال ۸۳۶ هـ . تالیف و تدوین کتاب را آغاز کرده و چنانکه مصصح محترم حدس زده اند او احتمالاً متولد

شیخ احمد جام (متوفی ۵۳۶ ه. ق.) و نورالدین عبدالرحمن ابن نظام الدین احمد بن محمد جامی (۸۹۷-۸۱۷ ه. ق.) از بزرگان مشاهیر این خاندان هستند و برای چندین قرن در شرق ایران صاحب نام و نشان و پیروان و مریدان بسیار بوده‌اند... لذا در نامه‌های آنان نکات تاریخی بسیار و نام اشخاص فراوانی درج شده است



مصحح محترم ، کتاب فرآیند غیائی را براساس نسخه‌های خطی طهران (دانشگاه)، کتابخانه اسعد افندی ، نسخه پاریس ، نسخه برلین نسخه ایاصوفیا و نسخه توپینگن انجام داده و چون خود نیز از خاندان شیخ احمد جام است به تعدادی از این اسناد و مدارک دسترسی داشته و از آنها استفاده کرده است

فرآیند غیائی فراهم آمده یکی از منشیان قرن نهم به نام جلال الدین یوسف بن شمس الدین محمد بن شهاب الدین عبدالله جامی مشهور به «یوسف اهل» است

در جلد اول به سال ۱۳۵۶ ه. ش. به چاپ رسانده و نامه‌های ۱۴۵ تا ۳۱۸ را که شامل بابهای دوم تا پنجم یعنی رسائل صواحب و وزراء و سادات و نقبا و قضات و ولایه و موالی عظام و اهالی کرام است را در جلد دوم آورده که در سال ۱۳۵۸ ه. ش. انتشار یافته است و متذکر شده‌اند که دو جلد دیگر در دنبال خواهد آمد و بدین ترتیب طبع نامه‌ها پایان می‌یابد و آنگاه می‌توان به درستی درباره مفاد و مضمون فرآیند غیائی سخن گفت.

در اینجا با سیری در فرآیند غیائی آن دسته از نامه‌هایی را که دارای ارزش تاریخی مشخصی هستند متذکر می‌شویم.

۱- نخستین مکتوبی که در فرآیند غیائی بدان پرداخته شده مربوط به دوره سلطان سنجر سلجوقی است . آن هنگام شیخ احمد جام (متوفی ۵۳۶) جمعی

از رعایا را برای ساختن خانگاهی بخدمت گرفته بود و حاکم منصوب سنجر بنام طغرل تکین در سنگ و ستون فراهم آمده طمع بست و آنها را مصادره کرد. اما ناگهان چند سوار سر می‌رسند و سراز تن طغرل تکین برمی‌گیرند . با وصول خبر که از آن بوی طغیان استشمام می‌شد سنجر تهدید به سرکوب اهالی جام کرد و شیخ احمد طی مکتوبی واقعه را شرح داده دفع خطر از مردمان آن سامان کرده است .

۲- نامه دوم فرآیند غیائی مکتوبی است که خواجه معین الدین جامی به شاه شجاع نوشته و طی آن مرگ امیر مبارزالدین (متوفی ۷۶۵ ه. ) را تسلیت گفته و همورا شاه ممالک عجم مخاطب ساخته است . مضمون این نامه علاوه بر نشان دادن روابط آل مظفر با مشایخ خراسان ، متذکر و جبهی از حکومت امیر مبارزالدین است که معمولاً کمتر مورد توجه قرار گرفته است و آن جنبه‌های عرفانی حاکمیت اوست . در نامه‌های سوم و چهارم مراسلات میان شاه شجاع و سلطان حسین جلایر (۷۸۴-۷۷۷ ه. ) انعکاس یافته که گویای شرایط عمومی حاکم بر روابط آنهاست .

۳- نامه‌های پنجم و ششم مراسلات سلطان احمد جلایری با امیر سیدی احمد الشکی و امیر قرایوسف ترکمان است . نظر به اتحاد قرایوسف با سلطان احمد علیه تیمور ، مفاد نامه در شناخت شرایط مودت میان آنها اهمیت بسیار دارد.

۴- نامه هفتم از جانب شخصی به شاه یحیی مظفری (۷۸۹ ه. ) در خصوص حملات تیمور است که در ابتدای آن آورده

روزی که ز تو سلام باشد ما را

آن روز فلک غلام باشد ما را  
و آن مربوط به سال ۷۸۸ ه. است که تیمور در نواحی غربی ایران بوده است و در نتیجه یورش او که «مغول» خطاب شده و طی آن «زن و مرد و مردان روز نبرد و طفل و پیر و غنی و فقیر علف شمشیر شده و اسیر شدند» چنانکه «هر امیری اسیر گشته اگر کشته نگشته» و «هر رئیس محتاج هر خسیسی و هر ادیبی مطعون هر بی‌ادبی گشته» و سرانجام در پایان می‌آورد:  
تو بمان از برای من به جهان

که من اندر جهان ترا دارم  
با توجه به انجام کار آل مظفر به روزگار شاه منصور بدست تیمورگورکان (چنان که مشهور است) مفاد این نامه در بیان تحول مناسبات سیاسی آن دوره

اهمیت دارد. از آنجا که در شکل گیری واقعه میان تیمور و شاه منصور نامه شاه شجاع به تیمور مشهور و معروف است توجه به نامه‌های هشتم و نهم که از جانب شاه شجاع به شاه منصور صدور یافته و متضمن نصیحت و دوری از تکبر و تجبر و ظلم است قابل توجه می‌نماید.

۵- مضمون نامه دهم از آنجا که به حافظ شاعر پرآوازه قرن هشتم بازمی‌گردد قابل توجه است . این نامه را شیخ ابواسحاق از زندان به امیر مبارزالدین محمدمظفری نوشته و گفته «حاکمی خواه بکش خواه ببخش» . بشتاب جو بی‌صبری ما میدانی، چه گفته‌اند در بلا بهتر که در بیم بلا...» و سرانجام در سخنی که به خواجه حافظ گوینا اشارت دارد می‌گوید: «جمعی از یاران که به شومی صحبت ما گرفتار او شده‌اند متعرض نشود و زحمت ایشان نرسانند من اگر گناه کارم چه کشند بی‌گناهان پس برخیز خونم بریز و ایشان خلاص فرما رود»

۶- نامه‌ای که شاه شجاع به امیر تیمور گورکان نوشته و طی آن حمایت از فرزندش زین‌العابدین را درخواست کرده است . بدین قرار: «... واجب نمود صورت حال اعلام دادن و فرزند به جان پیوندم زین‌العابدین ... فی کنت عنایتکم و دیگر فرزندان طفل برادرانم به جناب مملکت پناه سفارش نمودن ...» (ص ۶۹) چنانکه مشهور است این نامه در لشکرکشی تیمور به فارس که منجر به انقراض دولت آل مظفر شد نقش مهمی داشته است .

۷- از قطب المله والدین خواجه یحیی نیشابوری از مشایخ قرن هشتم نیز نامه‌ای به طغان تیمورخان ذیل شماره ۱۸ آمده است که او را به رعایت حال درویشان تشویق می‌کند و یادآور مضامین گلستان سعدی «پادشاه در اساس تصرفست و درویش در لباس تصوف . آن به سیاهی مفتخر و این به سیاهی میاهی. آن بر متکای جاه است و این در تک چاه» (ص ۸۳) از همین صوفی خطاب به فیروز شاه از سلاطین دهلی نیز نامه‌ای ذیل شماره ۲۰ آمده است . در نامه‌های دیگر نیز مراسلات با سلاطین هند آمده است که در رابطه با مطالعه روابط فرهنگی ایران و هند بسیار حائز اهمیت بشمار می‌آید. (نامه‌های ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۳ و ۴۶).

۸- نامه شماره ۳۲ مکتبه ایست از جانب محمد بن تعلق پادشاه معروف دهلی به معزالدین ابوالحسین محمد کرت پادشاه هرات که هر چند در زمره اخوانیات است اما اظهار صدق و صفا و ابزار ارادت و و مودت آنرا

از ۶۵۰ نامه مندرج در فرآند غیائی مصحح محترم ۱۴۴ نامه را که رسائل سلاطین یا ملوک و وزراء بوده در جلد اول به سال ۱۳۵۶ ه.ش. به چاپ رسانده و نامه‌های ۱۴۵ تا ۳۱۸ را که شامل باب‌های دوم تا پنجم یعنی رسائل صواحب و وزراء و سادات و نقبا و قضات و ولاة و موالی عظام و اهالی کرام است را در جلد دوم آورده است که در سال ۱۳۵۸ ه.ش. انتشار یافته است و متذکر شده‌اند که دو جلد دیگر در دنبال خواهد آمد

نامه‌هایی که از جانب عرفا یا ملوک صادر شده و در بردارنده فواید متعددی از جمله تحقیقات تاریخی می‌باشند در فرآند غیائی بسیار است. بخصوص آنکه بسیاری از این نامه‌ها اشاره به گوشه‌ها و زوایایی از تاریخ ایران دارد که در متون سیاسی و روایی انعکاس نیافته است

این اثر مشتمل بر ششصد و پنجاه نامه دیوانی و دوستانه و عارفانه از دانشمندان و فرمانروایان و شاعران از سده دوم تا سده هشتم هجری را در بر می‌گیرد

به اخوانیات مانده کرده است. (صص ۱۳۹-۱۳۶). نامه شماره ۴۱ نیز که از جانب محمد کورت به محمد بن تغلق نوشته شده همین مضمون را دارد.

۹- نامه‌های شماره ۲۵ به شاه یحیی مظفری و ۳۶ به سلطان اویس جلایری و شماره ۳۷ به شاه محمود مظفری و ۳۸ به مبارزالدین محمد مظفر (صفحات ۱۷۰-۱۵۶) بیانگر پیچیدگی روابط سیاسی قرن هشتم بخصوص هنگامی است که پای صوفیان در میان باشد. زیرا با رقبای آنها چون شاه منصور و شاه شجاع و شیخ ابواسحق نیز مکاتباتی با همین مضامین اظهار مودت و ارادت و محبت صادر شده است.

۱۰- یکی از طولانی‌ترین نامه‌های فرآند غیائی نامه‌ای است که خواجه معین المله و

الدین جامی به امیر تیمور گورکان نوشته و مضمون آن در اساس مسائل عرفانی و بیان مقام عرفاست گویی که میان دو عارف نوشته شده است. (صفحات ۱۷۳-۱۸۱).

۱۱- نامه‌های شماره ۴۹ و ۵۰ مربوط به مکاتبه هلاکو به مصر و پاسخ نامه اوست این نامه در دیگر متون تاریخی چون مسامره‌الاکخار و مسایره الاخیر نیز آمده است و دلیل و چگونگی درج آن در نامه‌های خاندان جامی توضیح داده شده است.

۱۲- به دلیل مجاورت، بخش مهمی از نامه‌های فرآند غیائی مربوط به مکاتبات خاندان شیخ احمد جام با ملوک کورت است. نامه ۵۶ متعلق به شمس‌الدین محمد کورت و ۵۷ و ۶۶ مربوط به معزالدین و الدین ابوالحسن محمدکورت و ۵۸ و ۶۵ و ۷۶ و ۷۷ مربوط به ملک الاعظم مالک رقاب الامم غیاث الدین والدین پیر علی کورت و ۶۰ و ۶۱ و ۶۹ و ۷۴ متعلق به معزالدین ابوالحسن محمدکورت است.

۱۳- از دیگر نامه‌های جالب توجه مندرج در فرآند غیائی نامه ایست که ابوالحسن محمدکورت از مازندران به هرات نوشته و تاریخ سال ۷۵۴ ه. را دارد. او در این نامه که به شماره ۸۲ در فرآند غیائی ثبت شده اشاره به واقعه قتل طغتمورخان بوسیله حیدر کرابی از سران سربداران می‌کند. تا آن هنگام سربداران خراجگزار طغتمور بودند اما چون در مجلسی خلوت فرصت دست داد حیدر کرابی با ضربه تبر که محمد کورت مکرراً بدان اشاره کرده کار طغتمور را به آخر رساند و این موجب استقلال دولت سربداران شد. ملوک کورت مستقر در هرات که دشمن سربداران بودند چنانکه از مفاد نامه برمی‌آید از آن متاثر شده‌اند. (صفحات ۳۵۴ تا ۳۶۲).

بطور کلی از این دست نامه‌ها که ذکر همگی آنها موجب تطویل و تصدیع خواهد بود واز جانب عرفا یا ملوک صادر شده در فرآند غیائی بسیار است که در بردارنده فواید متعددی از جمله تحقیقات تاریخی می‌باشد. بخصوص آنکه بسیاری از این نامه‌ها اشاره به گوشه‌ها و زوایایی از تاریخ ایران دارد که در متون سیاسی و روایی انعکاس نیافته‌اند و جهت اطلاع بر کم‌وکیف تمامی آنها خوانندگان عزیز را به اصل کتاب رجوع می‌دهیم و سخن را در خصوص جلد اول فرآند غیائی در همین جا خاتمه می‌بخشیم.

اما جلد دوم فرآند غیائی که مشتمل بر نامه‌های ۱۴۵ تا ۳۱۸ است و بوسیله جلال‌الدین یوسف‌اهل

فراهم آمده در ابوابی است که پیش از این تذکر داده شد. لذا از باب دوم که نامه‌های صواحب و وزراء است آغاز می‌شود... از جمله نامه‌هایی از غیاث‌الدین رشیدی فرزند رشیدالدین فضل‌الله و علاءالدین محمد هندو وزیر خراسان که سربداران براو شوریدند و خواجه کمال‌الدین وزیر شیخ ابواسحاق اینجو، عمادالدین زوزنی، نظام‌الدین کرمانی، تاج‌الدین سلمانی و جمعی دیگر است.

در باب سوم که مکاتبات با سادات و نقبا است پیشتر از سادات ترمذ نام برده شده است که این اهمیت و حضور پر قدرت آنها را نشان می‌دهد. لازم به تذکر است که سلطان محمد خوارزمشاه برای عزل عباسیان یکی از سادات ترمذ را به خلافت اعلام کرد.

در باب چهارم نامه‌های قضات و ولات آمده که مشتمل بر ذکر اسامی قضاتی است که کمتر شناخته شده‌اند و سرانجام باب پنجم رسائل موالی عظام و اهالی کرام است که گویای نکات اجتماعی بسیار می‌باشد و کنکاش در محتوای آنها مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد.

فهرست‌های متعدد مربوط به امکان و اشخاص و ایبات و آیات بر سودمندی چاپ کتاب اعم از جلد اول و دوم می‌افزاید اما این کتاب پر حجم با مطالب متنوع و غنای بسیار لازم است فهرست‌های موضوعی و تاریخی دقیق و کاملی را دارا گردد تا اهل تحقیق هر چه بهتر از آن بهره جویند.

### تصحیح و پژوهش

در «کتاب‌ماه تاریخ و جغرافیا ۳۰» (۳۱ فروردین ۱۳۷۹)، مولف مقاله «جغرافیای طبیعی دریایا و سواحل، منبعی غنی در آموزش ژئو مورفولوژی ساحلی» آقای «مهدی چوبینه» هستند که ضمن پژوهش از ایشان بدین وسیله تصحیح می‌گردد.